

بررسی اثربخشی روشهای نوین تدریس و روشهای سنتی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان

فاطمه جمشیدی

کارشناس روانشناسی

چکیده

امروزه مهمترین دغدغه نظام آموزشی و پرورشی یک کشور، ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه‌های فکری در جامعه‌ی اطلاعاتی و دانایی محور می باشد. در سال های اخیر روشهای تدریس تغییرات اساسی و بسیار زیادی کرده است رایانه ها و نرم افزارهای گوناگون و روشهای نوین در تدریس دروس مختلف کم کم جانشین روشهای سنتی می گردد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روشهای نوین تدریس و روشهای سنتی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان انجام شده است. پژوهش از نوع نظری است و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است. نتایج بررسی ها نشان میدهد که روشهای نوین تدریس نسبت به روشهای سنتی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان موثر است و باعث می شود دانش آموزان با میل و رغبت بیشتری به تحصیل بپردازند و سبب ارتقاء انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان می شود.

واژگان کلیدی: انگیزه پیشرفت تحصیلی، روشهای نوین تدریس، روشهای سنتی تدریس

مقدمه

آموزش و پرورش وبه عبارتی تعلیم و تربیت با خلقت انسان همراه جوامع بشری بوده و تا انسان و اجتماعات بشری باشد آموزش و پرورش نیز خواهد بود. اصولاً زندگی بشر بدون وجود آموزش و پرورش معنی و مفهوم خاصی ندارد. از جهت وسعت و گستردگی حوزه نفوذ نیز به جرات می توان گفت که هیچ وزارتخانه یا سازمانی به گستردگی آموزش و پرورش در جامعه وجود ندارد. در همه جوامع بیش از یک سوم جمعیت بطور مستقیم با این وزارتخانه در ارتباط هستند که اگر مراکز آموزش عالی را نیز به آن اضافه نماییم بطور قطع بیش از نصف جمعیت با نظام آموزشی هر کشور در ارتباط مستقیم می باشند.

امروزه مهمترین دغدغه نظام آموزشی و پرورشی یک کشور، ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه‌های فکری در جامعه‌ی اطلاعاتی و دانایی محور می باشد. برای آنکه همه گروه‌های اجتماعی قادر باشند به طور مؤثر در چنین جامعه‌ای مشارکت داشته باشند، باید یادگیری مداوم، خلاقیت، نوآوری و نیز مشارکت فعال و سازنده اجتماعی را بیاموزند. تحقق این امر مستلزم تعریف مجدد و نوینی از نقش و کارکرد مدارس به عنوان اصلی ترین نهادهای آموزشی در جامعه می باشد. امروزه نظام آموزشی کشور به مدرسه‌ای نیاز دارد که با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان یادگیری پیوسته را فراهم نموده و فرصت‌های نوینی را در اختیار افراد برای تجربه‌ی زندگی در جامعه اطلاعاتی قرار دهد، به گونه‌ای که این فناوری نه به عنوان ابزار، بلکه در قالب زیرساخت توانمندساز برای تعلیم و آموزش حرفه‌ای محسوب شود. به کارگیری گسترده‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و پرورش، همزمان با تحول در رویکردهای آموزشی درجهان، زمینه‌ی شکل‌گیری مدارس هوشمند را فراهم آورده است. این مدارس از جمله نیازمندی‌های کلیدی جوامع دانش‌بنیان می‌باشند و رویکردهای توسعه‌ی مهارت‌های دانشی و کارآفرینی دانش‌آموزان را دنبال می نمایند. در این مدارس، فرایندهای یاددهی - یادگیری تقویت شده و محیط تعاملی یکپارچه برای ارتقای مهارت‌های کلیدی دانش‌آموزان با تکیه بر فعالیت‌های گروهی، در عصر دانایی محور فراهم می شود.

بیان مساله

برخلاف روش تدریس سنتی که فراگیران مفاهیم، تجربه‌ها و قوانین را می خوانند و حفظ می کنند و می کوشند که به خاطر بسپارند، در روشهای نوین تدریس فراگیران ضمن انجام فعالیت ها و یا کسب تجربه، در تولید مفاهیم شرکت دارند و به طور مستقیم نتایج هر تجربه را به دست می آورند. ضمناً در این روش فراگیران با تمام افراد گروه به بحث و گفت و گومی پردازند، با هم کار می کنند، نظرات خود را با یکدیگر مقایسه و به تصحیح اشتباهات خود می پردازند و به فراگیری دانش یاری می رسانند. معلم دیگر مانند روش سنتی سخنرانی و تدریس نمی کند و یک راهنمای یادگیری است و به جای پاسخ مستقیم به پرسشها، می کوشد تا با پرسش های متعدد از فراگیران، آنها را به پاسخ های صحیح هدایت و آنها را به اندیشیدن ترغیب کند. معلمان به فراگیران پاسخ کلیشه ای نمی دهند، پرسش هایی را مطرح می کنند که قابل بحث باشد و فرصت گفت و گو را برای دانش آموزان ایجاد می کند. نه اینکه با خلاصه کردن کتاب ها و ارائه جزوه به دانش آموزان آنها را به سوی استفاده از کتاب های حل مساله و حفظ کردن جزوه ها سوق دهند. در این شیوه شاگردان با اعضا گروه بحث می کنند و معلم در صورت لزوم آنان را به طرح پاسخ صحیح هدایت می کنند. و تکالیف در روش تدریس نوین به جای رونویسی، جمع آوری اطلاعات است

حال این سوال مطرح است که این روش تدریس جدید چه امتیازاتی دارد و چه تاثیری بر دانش آموزان خواهد داشت؟

افرادی که انگیزه پیشرفت بالایی دارند، به انجام دادن کارهای تولیدی و همراه با ابداع و خلاقیت بیشتر تمایل دارند. در آغاز دهه ۷۰ هرمنس^۱ تلاش کرد تا با جمع آوری منابع ضمن مشخص کردن مولفه های انگیزش پیشرفت، آزمون معتبری برای اندازه گیری آن ارائه کند. وی معتقد است که می توان بر اساس پژوهش های انجام شده در زمینه انگیزش پیشرفت و پاسخ های آزمودنی ها به مواد آزمونها مؤلفه های سازنده انگیزش پیشرفت را مشخص کرد. بنابر دیدگاه وی، انگیزش پیشرفت از مؤلفه های

¹ Hermens

سطح آرزو، رفتار مخاطره آمیز، ارتقا طلبی، مسئولیت پذیری، پشتکار، آینده نگری، رفتار شناختی، انتخاب دوست و رفتار موفق تشکیل شده است. همچنین افراد با انگیزه پیشرفت بالا در مقابل افرادی که انگیزه پیشرفت کمتری دارند، موفقیت های مشتمل بر مخاطره متوسط و همراه با آگاهی از نتایج و پیامد کار را بیشتر ترجیح می دهند. (احمدی، ۱۳۹۳)

انگیزه پیشرفت با روش های مختلف بسیاری شرح داده شده است. درک ما از اثرات مرتبط با موفقیت، شناخت و رفتار بهتر شده است. با وجود شباهتهای محیطی بسیار رویکردهای انگیزشی موفقیت به طور جداگانه ای رشد یافته و پیشنهاد شده که اکثر نظریات مربوط به انگیزه پیشرفت در توافق با یکدیگر به جای رقابت هستند. محققان انگیزش به واسطه ترکیب دو رویکرد برجسته خواستار ترویج یک مدل مرتبه ای از انگیزه پیشرفت و اجتناب شدند: رویکرد انگیزه پیشرفت و رویکرد هدف پیشرفت. انگیزه پیشرفت شامل نیاز برای موفقیت و ترس از شکست است. این ها انگیزه های مهمی هستند که رفتار ما را به سوی پیامدهای مثبت و منفی هدایت می کنند. هدف پیشرفت به عنوان نماینده شناختی نیرومندتری دیده می شود که افراد را به سوی پیامد خاصی هدایت می کند (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

در سال های اخیر روشهای تدریس تغییرات اساسی و بسیار زیادی کرده است رایانه ها و نرم افزارهای گوناگون و روشهای نوین در تدریس دروس مختلف کم کم جانشین روشهای سنتی می گردد.

از مراحل مهم طراحی آموزشی، انتخاب روش تدریس است. معلم بعد از انتخاب محتوی و قبل از تعیین وسیله، باید خط مشی و روش مناسب تدریس خود را انتخاب کند. به مجموعه تدابیر منظمی که برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ می شود "روش تدریس" گویند. روشهای تدریس فعال، مشارکتی و ... جای روشهای سنتی تدریس را گرفته است. اما مساله مهم این است که چقدر این جایگزینی و تغییر و تحول مفید است.

در این پژوهش مساله اصلی اثربخشی روشهای نوین تدریس و روشهای سنتی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان است.

مفاهیم

پیشرفت تحصیلی: کلمه پیشرفت تحصیلی در آموزش و پرورش به معنای حرکت پیش رونده و کسب موفقیت تعریف شده است. لاورین^۱ (۱۹۶۷) پیشرفت را جلوه ای از جایگاه تحصیلی دانش آموزان می داند که ممکن است بیانگر نمره ای برای یک دوره و یا میانگین نمرات در دوره های قبل باشد. (احمدی، ۱۳۹۳)

انگیزش پیشرفت تحصیلی: انگیزش پیشرفت که اغلب نیاز به پیشرفت نامیده می شود، میل به موفقیت در انجام دادن تکالیف دشوار و دست یافتن به معیارهای عالی، تعریف شده است. (پاسرو اسمیت^۲ ۲۰۰۱، بارون^۳، ۱۹۹۸)

انگیزش پیشرفت به عنوان یکی از انگیزه های مهم اجتماعی و یکی از ویژگی های شخصیتی هر فرد است که بین افراد متفاوت است و بر اساس آن می توان رفتارهای خاصی را پیش بینی نمود.

انگیزش پیشرفت گرایشی است برای ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است.

روبینز^۴ (۱۹۹۳) انگیزه پیشرفت را ساقی برای پیشی گرفتن بر دیگران، دستیابی به پیشرفت با توجه ملاک های مشخص و تلاش جهت کسب موفقیت می داند و معتقد است کسی که دارای انگیزه پیشرفت است این تمایل را دارد که کارش را به خوبی انجام دهد و به صورت خود جوش به ارزیابی عملکرد خود بپردازد. رفتارهای پیشرفت گرای افراد نشانه هایی از انگیزه پیشرفت آنان است.

lavin.1

2 Paser & Smite

3 Baron

4 Robinz

کورمن^۱ (۱۹۷۷) انگیزه پیشرفت را عبارت از آرزو برای پیشی گرفتن در یک رفتار ویژه می داند که آن رفتار ویژه به صورت ملاک یا معیار در آمده باشد.

مبانی نظری

با عنایت به اهمیت جایگاه مدرسه در نظام آموزشی و رشد سریع دانش و فناوری های آموزشی در جوامع دیگر روش های سنتی در آموزش از کارایی لازم برخوردار نبودند، از این رو دست اندرکاران نظام آموزشی به روش دانش آموز محوری به عنوان الگویی پیشرفته برای تحول نظام آموزشی روی آوردند. اما هیچ گاه این روش، مطابق آن چه تجربه شده بود، در ایران به منصف ظهور نرسید (مشایخ، ۱۳۸۹). شاید یکی از دلایل این امر گرایش کلی نظام آموزشی به علوم انتزاعی و حتی تدریس علوم تجربی به شکل انتزاعی باشد که مغایرت اساسی با روش های مبتنی بر تجربه فردی دانش آموز دارد. اکنون رایانه و اینترنت، تحولی را در نظام آموزشی جهان رقم زده است که بومی سازی آن در ایران نیز به سرنوشت، روش دانش آموز محوری، دچار شده است. واضح است که برای تحول در نظام آموزشی کشور، هرگز نمی توان از بنیان آغاز کرد و کل نظام آموزشی را با نظامی جدید عوض کرد، بلکه این تحول باید تدریجی و مبتنی بر واقعیات جامعه باشد.

کلمه پیشرفت در آموزش و پرورش به معنای حرکت پیش رونده و کسب موفقیت تعریف شده است. آنچه که توجه مسئولان تعلیم و تربیت را معطوف ساخته چگونگی فراهم کردن زمینه های پیشرفت برای نوجوانان و جوانان جامعه و استفاده صحیح از توانایی های دانش آموزان و از قوه به فعل در آوردن استعداد های آنان می باشد. برای رسیدن به این هدف مطالعاتی صورت گرفته و همچنین به عواملی که در تحصیل دانش آموزان برای رسیدن به شکوفایی مورد نیاز است توجه لازم را به انجام رسانیده است (شعاری نژاد، ۱۳۹۲).

برای پیشرفت چه در تحصیل و چه در هر کار دیگری نیاز به انگیزش وجود دارد. انگیزش به حالت های درونی ارگانیک که موجب هدایت رفتار به سوی نوعی هدف می شود اشاره می کند. به طور کلی انگیزش را می توان به عنوان نیروی محرک فعالیت های انسان و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد. انگیزه را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده اند و در این مقایسه نیرو و جهت مفاهیم عمده انگیزش هستند. بنابراین تعریف انگیزش عامل فعال ساز افکار انسان است. انگیزه اصطلاحی است که غالباً با انگیزش مترادف به کار می رود. با این حال می توان انگیزه را دقیق تر از انگیزش به عنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتاری معین می شود تعریف کرد. به سخن دیگر انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید. در حالیکه انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند. از لحاظ پرورش انگیزش هم هدف است هم وسیله به عنوان هدف ما از دانش آموزان و دانش جویان می خواهیم نسبت به موضوع های علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند از این رو تمام برنامه های درسی که در آنها فعالیت های حیطه ای عاطفی ملحوظ شده است و دارای هدف انگیزشی هستند به عنوان وسیله ی انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تأثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است. اگر دانش آموزان و دانش جویان نسبت به درس بی علاقه باشند (دارای انگیزش سطح پایین باشند) به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نسبی آنها نخواهد شد. اما اگر علاقه ی آنها نسبت به مطالب درسی بالا باشد (دارای انگیزش سطح بالا باشند) هم به توضیحات معلم گوش فرا خواهند داد هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد (سیف، ۱۳۹۷).

دارا بودن انگیزه موفقیت تنها عامل مؤثر پیشرفت تحصیلی نبوده بلکه استنباط نوجوان از علل موفقیت یا شکست نیز بر پیشرفت تحصیلی وی تأثیر می گذارد. به اعتقاد دوک و ورتمن^۲ (۱۹۸۰) کسانی که پیشرفت هایشان به توانایی یا کوشش خود نسبت می

¹ Corman

² Dock & Wetmen

دهند، احتمال بیشتری می رود که از پیشرفت خود مطمئن بوده و انتظار موفقیت های آتی را داشته باشند و چنین نیز بشود. برعکس آنان که پیشرفت های خود را به بخت و اقبال نسبت می دهند، یعنی به عواملی که در ورای کنترل شخصی آنان قرار دارد، احتمال بیشتری می رود که از توانایی خود برای پیشرفت نامطمئن بوده و چنین نیز بشود. از این رو، افرادی که اهداف واقع بینانه تری از سطح موفقیت خود داشته و برای موفقیت ها و یا شکست های خویش احساس مسئولیت شخصی می نمایند. بیشتر احتمال دارد که موفق گردند. به اعتقاد گراندال و همکاران نوجوانانی که احساس کنترل بر موفقیت ها و شکست های خود دارند مکان کنترل درونی و آنان که احساس می کنند وقایع زندگیشان خارج از کنترل ایشان قرار دارد، از مکان کنترلی بیرونی برخوردار می باشند. از این رو اگر دانش آموز علت اخذ نمره خوب خود را سخت مطالعه کردن بدانند، دارای مکان کنترل درونی و اگر به آسان بودن سوالات نسبت دهد دارای مکان کنترلی بیرونی خواهد بود. پژوهش ها نشان می دهد که کودکان و نوجوانانی که تصور می کنند شخصاً مسئول موفقیت های خود هستند، اغلب موفق می باشند. در مقابل نوجوانانی که تصور می کنند وقایع خارج از کنترل آنان می باشد کمتر با معلمین خود رابطه برقرار کرده و در مقایسه با دارندگان مکان کنترل درونی، نگرش منفی تری نسبت به خود و معلمان خویش دارند. (هرشن سن، ۲۰۰۵)

نگاهی به فرایند تدریس

از میان عناصر برنامه ی درسی (اهداف، محتوا، تکنولوژی، تدریس، ارزشیابی و...) تدریس یکی از عناصر کلیدی و تعیین کننده تلقی می شود و اگر برنامه ریزی درسی رادرسه مرحله - برنامه های قصده شده، اجرا شده و کسب شده - در نظر بگیریم، نقش معلم ونحوه ی تدریس او در فرایند اجرا و چگونگی کسب آن از سوی دانش آموزان به عنوان مهم ترین عامل تأثیرگذار مطرح است. باتوجه به اهمیت تدریس و نقش ممتاز آن در تربیت عاطفی، اجتماعی، ذهنی، اعتقادی و اطلاعاتی دانش آموزان وزمینة سازی برای کسب دانش ومهارت های زندگی، نیازمند بازشناسی فرهنگ تدریس هستیم.

ایجاد جهت یابی در یادگیری (اقدامات قبل از تدریس)

(معلمان می توانند با ارائه ی یک ساختار اولیه برای توضیح نتایج مورد نظر، محصلان را برای یادگیری آماده کنند و آنان را به سمت راهبردهای مطلوب یادگیری هدایت کنند).

پژوهش و تحقیق، ارزش ایجاد جهت یابی یادگیری را با شروع دروس و فعالیت ها به کمک ادوات و نمودارهای سازماندهی پیشاپیش و یا مرور کوتاه آنچه در پیش است نشان می دهد. این آشناسازی ها یادگیری محصلان را با القای ماهیت و مقصد عمل یادگیری تسهیل می کنند، آن را به معلومات قبلی متصل می سازند، و نشانه های راهنمای انواع پاسخ-های محصل را که فعالیت مورد بحث به آن نیاز دارد، در اختیار اومی گذارد. این امر به محصلان کمک می کند تا هدفمند بمانند و در همان حال که به پردازش اطلاعات مشغولند و به پرسش ها یا وظایف مستتر در فعالیت یادگیری پاسخ می-گویند، برخورداری از نگرش راهبردی را حفظ کنند. جهت یابی های مطلوب درس، ضمناً انگیزه ی محصلان را برای یادگیری تحریک می کنند و این کار را با القاء شور و هیجان برای یادگیری، یا کمک به شناخت ارزش یا کاربرد بالقوه ی آن انجام می دهند.

این نمودارها در کلاس درس، پیش از شروع تدریس، محصلان را به سمت آنچه قرار است یاد بگیرند، هدایت می کنند و به آنها جهت می بخشند. آنها ماهیت عام یادگیری رامشخص می سازند و ساختاری در اختیار محصلان قرار می دهند که در چارچوب آن به درک و مرتبط سازی موضوعات مشخصی که به وسیله ی معلم یا متن درسی ارائه خواهد شد نایل آیند. چنین شناختی از ماهیت فعالیت و ساختار محتوای آن به محصلان کمک می کند تا توجه خود را براندیشه های اصلی متمرکز سازند و افکار خود را به نحوی مؤثر نظم و ترتیب بدهند. بنا بر این پیش از شروع هر درس یا فعالیتی، معلم باید اطمینان یابد که محصلان می دانند که قرار است چه چیزی را فرا گیرند و چرا فراگیری آن برایشان مهم است.

راه های دیگری برای آن که به محصلان کمک شود که با داشتن حس مقصد و سمت و سو مبادرت به یادگیری کنند، شامل جلب توجه آنان به اهداف فعالیت، ارائه ی خلاصه ای از آراء و نظرات اصلی و یا گام های عمده ای است که باید برایشان تشریح

شود. می توان تدابیری مانند پیش آزمون هاراکه باعث جلب حساسیت محصلان به نکات اصلی می شود وهم چنین پیش پرسش هایی راکه آنان رابه تفکر درباره ی موضوع برمی انگیزد، به مطالب بالا افزود. (مقرب الهی، ۱۳۹۸)

انتخاب مواد و منابع آموزشی

تدارک فعالیت های تدریس - یادگیری مستلزم انتخاب مواد آموزشی مناسب برای ایجاد انگیزه دردانش آموزان و توضیح و تشریح محتوای درسی است. این منابع شامل انواع مواد چاپی، رسانه های سمعی و بصری وسایر مواد برای آموزش های انفرادی یا گروهی است.

اصولاً برنامه ریزان درسی ومعلمان به اندازه ی کافی با کاربرد مواد آموزشی سنتی مانند: کتاب های درسی، منابع و مآخذ، روزنامه ها، بروشورها و کتاب های کار و تمرین آشنا هستند باین حال آگاهی معلمان در باره ی برخی منابع آموزشی بسیار محدود است. این منابع عبارتند از:

- اشیا و نمونه ها
- منابع موجود در جامعه
- نمایشگاه ها
- وسایل و ابزارهای بازی
- سخنرانان صاحب نظر
- صفحه و نوار کاست
- نمایش و دیدنی ها
- چارت ها، نمودارها و پوسترها
- عکس ها و شکل ها
- ورقه های شفاف
- عکس های متحرک صدا دار و بی صدا
- برنامه های تلویزیونی و نواری ویدیو و کاست
- مواد چند رسانه ای - عکس های ثابت همراه با عکس های متحرک

سال ها پژوهشگران آموزشی در این فکر بودند که آیا وسیله یا ترکیبی از وسایل وجود دارد که برای آموزش یک موضوع خاص درسی بهترین باشد؟ به کلامی دیگر آیا رسانه ها را می توان بر اساس کارایی آنها، در امر آموزش نوع خاصی از مفاهیم، حقایق، اصول وسایر مسایل کلی طبقه بندی کرد؟ حقیقت این است که در این زمینه پژوهشگران به اندازه ی کافی تلاش کرده اند ولی نه تنها به یک جواب ساده و قانع کننده نرسیده اند، بلکه اغلب نتایج بدست آمده نیز متناقض بوده است. ولی آنچه که از نتایج پژوهش ها محقق شده، این است که تجارب آموزشی مشخص را می توان به کمک چند رسانه ی معین (که دارای نقش یکسانی در این زمینه هستند) به اندازه ی کافی تکمیل کرد. همچنین نتیجه ی تحقیقات نشان می دهد رسانه ای که برای تکمیل یک امر مشخص آموزشی تدارک دیده شده، برای تسهیل مفهومی دیگر در جریان همان آموزش نمی توان کلاً به کار آیی یک رسانه اکتفا کرد، بلکه باید منابع و مواد آموزشی گوناگونی را فراهم آورد تا در موقعیت های خاص تدریس یادگیری مناسب ترین آنها مورد استفاده قرار گیرد. (مقرب الهی، ۱۳۹۸)

انتخاب رسانه

انتخاب رسانه یارسانه های مورد نظر، به ویژه برای معلمان تازه کار به سه دلیل مشکل است: اولاً تعداد وسایل ومواد سمعی و بصری موجود به اندازه ای زیاد و متنوع است که مشکل انتخاب را بیشتر می کند. ثانیاً اصول و رهنمودهای قاطع و جامعی وجود

ندارد تا درانتخاب و جمع آوری رسانه های مناسب موردتوجه قرارگیرد. ثالثاً عده ی بسیار کمی از آموزش-گران در باره ی کلیه ی منابع آموزشی مناسب برای تسهیل تدریس - یادگیری تجربه ی گسترده و کافی کسب کرده اند.

بیشتر معلمان، رسانه ها را بر اساس آشنایی قبلی و یا سادگی کاربرد انتخاب می کنند. ولی چنانچه در انتخاب رسانه ها عوامل مشخص و معینی را رعایت کنیم، متوجه خواهیم شد که موقعیت های خاص آموزشی یک رسانه نسبت به رسانه دیگر ارجحیت دارد. این عوامل عبارتند از:

۱- آیا مواد آموزشی مورد نظر برای آموزش های کلاسی معلم انتخاب شده است یا برای مطالعه ی انفرادی دانش آموزان مورد استفاده قرار خواهد گرفت؟

برخی از رسانه ها برای ارائه ی مطالب و برخی دیگر برای مطالعه ی مستقل و انفرادی مناسب ترند. ولی بیشتر رسانه ها انعطاف پذیر و در هر دو مورد قابل استفاده اند.

۲- آیا رسانه انتخاب شده مستلزم تدارک برخی کارهای هنری مانند نقاشی، عکاسی، تهیه ی نمودار و تصاویر ثابت و متحرک است؟

تجربه نشان داده است که کارهای هنری، درک مفاهیم پیچیده را آسان و واضح می کند. ولی رسم تصاویر هنری، معمولاً طول می کشد و مستلزم حوصله و برنامه ریزی قبلی است. از این رو تهیه ی عکس از اشیا و موضوعات مورد نظر راحت تر است به ویژه اینکه مشاهده تصویر واقعی اشیا در برخی موارد آموزشی ضرورت دارد.

۳- آیا تصاویر باید به طور متحرک یا به صورت ثابت نمایش داده شود؟

استفاده از تصاویر متحرک زمانی ضرورت دارد که به فهم بیشتر مطالب درسی کمک کند، مانند مشاهده گردش خون در بدن، گردش زمین به دور خورشید، طرز کار ماشین و جریان تولید انبوه یک کالا... اگر ویژگی حرکت مورد نظر نباشد، استفاده از تصاویر ثابت مقرون به صرفه است، زیرا تهیه ی تصاویر متحرک مستلزم مهارت کافی، زمان طولانی و هزینه های زیاد است.

۴- آیا تصاویر ثابت لزوماً باید صدا دار باشد؟

تصاویر ثابت باید زمانی همراه با صدا باشد که توضیح و تشریح جزئیات تصویر و یا صدایی خاص، ضروری باشد. برای کاهش هزینه ی ضبط صدا، می توان توضیحات را روی کاغذ چاپ کرده و همراه با تصویر در اختیار دانش آموزان قرار داد.

۵- چه زمانی باید وسایل چندرسانه ای مورد توجه قرار گیرد؟

زمانی که از یک وسیله ی چند رسانه ای استفاده می شود که ضرورت توضیح و تشریح محتوای درس از طریق رسانه های مختلف محرز شده باشد. گرچه نقش یک وسیله ی چند رسانه ای در تسهیل جریان تدریس - یادگیری بسیار زیاد و قابل توجه است، با این حال استفاده از وسایل تک رسانه ای برای مطالعه ی انفرادی و آموزش در گروه های کوچک و وسیله ی چند رسانه ای برای گروه های بزرگ، کلاس ها و سالن های پرجمعیت مناسب تر است.

۶- درانتخاب سخت افزارهای آموزشی، نکات مورد توجه کدامند؟

وقتی مواد آموزشی را انتخاب می کنید، همواره سخت افزار مورد نیاز را هم در نظر بگیرید. اگر در چنین موقعیتی قرار گرفتید نخست مشخص کنید که سخت افزار را برای استفاده معلم انتخاب می کنید یا دانش آموزان، زیرا وسیله ای که برای استفاده دانش آموزان در نظر گرفته می شود، باید ضمن بادوام بودن، کاربرد بسیار ساده و راحتی داشته باشد. به علاوه روش های فنی و مهارت های ویژه ای که برای استفاده صحیح از دستگاه لازم باید از پیش معلوم و مشخص شود.

پس از تعیین دو ویژگی مورد بحث، دستگاه را با مواد آموزشی مورد نظر امتحان کنید. با توجه به نکات بالا، چنانچه دستگاه مطابق نیازهای آموزشی و کلاسی، انتظارات شما را تأمین کرد و انتخاب سخت افزار، مناسب و بسیار خوب بوده است و مطمئن باشید که از بهره دهی دستگاه در کلاس درس احساس رضایت خواهید کرد.

توصیه می شود از کاربرد دستگاه هایی که قبلاً مورد بررسی و امتحان قرار نگرفته اند، در کلاس درس خودداری کنید. همچنین همواره خود را برای لحظاتی که احتمال قطع برق یا خرابی دستگاه پیش می آید، آماده کنید و تدابیر لازم برای تداوم تدریس را (بدون دستگاه) از پیش اتخاذ کنید.

پیش آزمون

آیا هر یک از دانش آموزان برای درک مطالب و کسب مهارت های جدید، اطلاعات و توانایی لازم را قبلاً به دست آورده اند؟

آیا عده ای از دانش آموزان قبلاً بعضی از هدف های آموزشی درس جدید را آموخته اند؟

آزمونی که پیش از شروع به آموزش انجام می گیرد. کارشناسان معتقدند پیش آزمون ها یک راه کاراساسی و بنیادی برای محک زدن سطح پتانسیل علمی متعلم است. در واقع با این گونه ارزشیابی ها، می توان قدرت علمی و سطح دانش نظری دانش آموزان را سنجید و مطالب بعدی را منطبق بر همین معیارها و بادر نظر داشتن توانایی علمی او و البته به فراخور داشته - های قبلی دانش آموز به او ارائه نمود.

بر اساس روش سنتی کافی است کتاب های درسی دوره های قبل را مورد بررسی قرار دهیم و ادعا کنیم که دانش آموزان اطلاعات و زمینه ی کافی برای درس جدید را قبلاً کسب کرده اند. ولی آیا می توان به چنین قضاوتی اطمینان و اکتفا کرد؟ یعنی می توان گفت که همه ی دانش آموزان معلومات و توانایی لازم برای درک مفاهیم جدید را دارند و هیچ کدام نیازی به جبران و تکمیل معلومات ورودی خود ندارند؟ اندکی تأمل و احتیاط در باره ی چنین قضاوتی ایجاب می - کند که معلم خود شخصاً جواب سؤال را پیدا کند. برای این کار معلم باید پیش از شروع درس جدید پیش آزمونی انجام دهد یعنی معلومات ورودی دانش آموزان را بسنجد تا بتواند پیش نیازهای آنان را مشخص کند بنا بر این یکی از نتایج انجام دادن پیش آزمون تشخیص و اطلاع از میزان رفتار ورودی دانش آموزان است که بر این اساس معلم می تواند:

الف - کمبودها و نارسایی های آموزشی را از طریق آموزش های تکمیلی (ترمیمی) و رهنمودهای لازم جبران کند. (ویس، ۲۰۰۸)

ب - هدف ها و فعالیت های جدید آموزشی را متناسب با میزان توانایی های دانش آموزان اصلاح و تنظیم کند.

ج - نقطه ی درس جدید را طوری انتخاب کند که همه ی دانش آموزان از آن بهره مند شوند.

نکته ی بسیار مهم و قابل توجه در انجام دادن پیش آزمون این است که دانش آموزان همواره مقصود از پیش آزمون را بفهمد تا با رغبت و علاقه در آن شرکت کنند زیرا چنانچه دانش آموزان از هدف واقعی پیش آزمون ها آگاه نباشند احتمال می رود این عمل جنبه ی امتحان به خود بگیرد و سبب نگرانی و خستگی روحی آنان شود.

فایده ی دیگر پیش آزمون این است که معلم می تواند بر مبنای کمبودهای آموزشی دانش آموزان نوع و درجه ی فعالیت گروه دانش آموزان و یا فرد فرد آنان را مشخص کند.

پیش آزمون به مدیران و معلمان این امکان را می دهد تا پس از گذشت زمانی از سال تحصیلی و با انجام ارزشیابی های مستمر، در عملکرد خود بنگرند و بدانند که آیا شیوه ی تدریس و آموزش آنان مفید بوده یا خیر؟ با اعمال این روش همان طور که اشاره شد معلمان قبل از تدریس، از میزان معلومات و نقاط قوت و ضعف دانش آموزان خود آگاهی یافته، الگوی تدریس خود را بر اساس همان اطلاعات مدون می سازند. البته این عمل زمانی قابل اعتنا می باشد که متولیان امتحانات به طور دقیق، بر شیوه ی اجرای سازمان یافته و سلامتی کامل آن، نظارت دقیق و اطمینان صد درصد داشته باشند تا به هر ترتیب، بتوان در تجزیه و تحلیل آماری، نتایج استخراج شده را معتبر دانست و مورد استناد قرار داد. از سوی دیگر، از آنجا که در مباحث اصول، روش ها و فنون تدریس و شیوه های نوین ارزشیابی بر این نوع آزمون ها تأکید فراوان شده است و این مهم مبین آن است که این ارزشیابی، به طور قطع و البته در دراز مدت در ارتقای کیفیت آموزشی تأثیر مطلوبی خواهد نهاد و به ویژه در شرایط فعلی که دستگاه آموزش و پرورش با موج فزاینده ی افت تحصیلی روبروست اهمیت این گونه آزمون ها صد چندان می شود و امید به

بهبود کیفی تحصیلات آینده، ما را ترغیب می سازد تا به مهم ترین بخش در فرآیند یادگیری یعنی ارزشیابی و تجزیه و تحلیل اهتمام ورزیم. (مقرب الهی، ۱۳۹۸)

نتیجه این که اگر پیش آزمون هابه شکل اصولی و سازنده و منطبق بامعیارهای رایج در عرصه ی تعلیم و تربیت برگزار شود در دراز مدت نتایج بس مفید خواهد داشت که چشم پوشی از این عواقب خوب و ثمربخش، به هیچ روی قابل اغماض نیست.

مقایسه روشهای سنتی و نوین در فرایند یاددهی یادگیری

روش سنتی « غیر فعال »

- ۱- فراگیران مفاهیم، تجربه ها و قوانین را می خوانند و حفظ می کنند و می کوشند که به خاطر بسپارند.
- ۲- فراگیران هر چه به طور امانت، به ذهن خود سپرده اند، پس می دهند و هنگام آزمون، امانت های دریافتی را مسترد می دارند.
- ۳- معلم اغلب با روش سخنرانی تدریس می کند و نقش حل مسائل را ایفا می کند. (تمرین می دهد، به حل تمرین ها کمک می کند، با مثال مفاهیم را توجیه می کند.)
- ۴- معلمان اغلب جزوه می گویند، مطالب کتاب را خلاصه می کنند و فراگیران را به سوی استفاده از کتاب های حل مسائل سوق می دهند.
- ۵- معلم به کلاس تکلیف می دهد و فراگیران در این فرایند به عنوان تماشاگر هستند.
- ۶- معلم کلاس را کنترل می کند.
- ۷- معلم در صحنه ی آموزش کاملاً فعال است و فراگیران ساکت هستند.
- ۸- معلم تمرین می دهد، تمرین حل می کند، پاسخ پرسش ها را می دهد، رفع مشکل می کند، تدریس می کند و جزوه می گوید.
- ۹- هدف یاد دادن است و تکیه بر محفوظات و کسب دانستنی های ضروری و غیر ضروری.
- ۱۰- بیشتر تکالیف، رونویسی و... می باشد.

روش نوین « فعال »

- ۱- فراگیران ضمن انجام فعالیت ها و یا کسب تجربه، در تولید مفاهیم شرکت دارند و به طور مستقیم نتایج هر تجربه را به دست می آورند.
- ۲- فراگیران با تمام افراد گروه به بحث و گفت و گومی پردازند، با هم کار می کنند، نظرات خود را با یکدیگر مقایسه و به تصحیح اشتباهات خود می پردازند و به فراگیری دانش یاری می رسانند.
- ۳- معلم راهنمای یادگیری است و به جای پاسخ مستقیم به پرسشها، می کوشد تا با پرسش های متعدد از فراگیران، آنها را به پاسخ های صحیح هدایت و آنها را به اندیشیدن ترغیب کند.
- ۴- معلمان به فراگیران پاسخ کلیشه ای نمی دهند، پرسش هایی را مطرح می کنند که قابل بحث باشد و فرصت گفت و گو را برای دانش آموزان ایجاد می کند.
- ۵- معلم، هر فراگیر را تشویق می کند که از دیگران کمک بگیرد، برای نظریه های خود وسائلی بسازد، تجربه کند و نتیجه را گزارش دهد.
- ۶- حضور و غیاب کارسرگروه و معلم نظارت میکند.
- ۷- فراگیران در صحنه ی آموزش فعالیت می کنند و معلم، راهنمای فعالیت های آنها است.
- ۸- در این شیوه شاگردان با اعضا گروه بحث می کنند و معلم در صورت لزوم آنان را به طرح پاسخ صحیح هدایت می کند.
- ۹- هدف یادگیری است، فراگیران به یادگیرنده های مادام العمر تبدیل می شوند.
- ۱۰- تکالیف جمع آوری اطلاعات میباشد.

نتیجه گیری

تدریس یک موضوع چندوجهی است. از یک طرف بانحوه ی تفکرونیازهاوعلايق دانش آموزان مرتبط است واز طرف ديگر بايد به گونه ای باشد که زمینه های رشدجنبه های مختلف هوش رافراهم آورد. از طرف ديگر، بايد با یافته های روانشناختی تدریس - تفاوت های فردی نحوه ی تعامل وارتباط بادانش آموزان و... - هماهنگ باشد. هم چنین بايد با نظريات ياددهی - يادگیری ارتباط داشته باشد. به عبارت ديگر، درفرایند تدریس بايد جلوه هایی از نظريات يادگیری نوین (فراشناخت وساختارگرایی) حضور داشته باشد. همه ی این موارد جزء ابعاد تدریس است اما تمام واقعیت نیست.

واقعیت این است که تدریس یک مقوله فرهنگی است و با جلوه های مختلف فرهنگ - باورها، ارزش ها، اعتقادات، آداب و رسوم هنجارها و احساسات، هیجانات، علايق، نگرش و - در ارتباط است.

فرهنگ معلم، دانش آموز، خانواده ها و جامعه در این فرایند نقش دارند. به عبارت ديگر، باورها و انگیزه های معلم ودانش آموز که حاصل جهان بینی وایدئولوژی مکتبی وارزش های ملی وفرهنگی خانواده ها و جامعه است، تأثیرشگرفی بر فعالیت های تدریس می گذارد. نتایج پژوهش های انجام شده در تحلیل علل ضعف دانش آموزان نیز حاکی از این واقعیت است که آموزش وتدریس اساساً یک مقوله ی فرهنگی است

درسال های اخير، برنامه ريزان درسی سعی کرده اند با عنایت به یافته های پژوهشی، فرایند برنامه ی درسی را از رویکرد انتقالی ونتیجه محوره رویکرد حل مسأله اکتشافی وفرایند محور تغییر دهند. اما در عمل، چندان اثربخش نبوده است. با توجه به تاثیر روش تدریس نوین بر افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پیشنهاد می شود حتی الامکان در سایر مدارس روش نوین جایگزین شیوه سنتی تدریس گردد.

منابع

- احمدی سید احمد (۱۳۹۳). روانشناسی نوجوانان و جوانان، ناشر انتشارات ترمه - مشعل.
- زارب، ژانت.م (۱۳۸۹). ارزیابی و شناخت - رفتاردرمانی نوجوانان، ترجمه محمد خدایاری فرد و یاسمین عابدینی، تهران: انتشارات رشد.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۷). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی عمومی. تهران: انتشارات توس.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۳). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گنجی، حمزه، (۱۳۹۶)، بهداشت روانی، تهران، انتشارات ارسباران.
- مقرب الهی، زهرا (۱۳۹۸) روشهای نوین تدریس، تهران، انتشارات عابد.
- ویس، روبرت، (۲۰۰۸). روان شناسی مرضی کودک ونوجوان، نشر ساوالان.
- هرشن سن، دیوید پاور، پال دبلیو، (۲۰۰۵)، مشاوره بهداشت روانی: نظریه وعمل، ترجمه منشی طوسی محمد تقی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

French B, Ullrich-French S, Follman D. The psychometric properties of the Clance imposter scale. *Pers Individ Dif* 2008; 44: 1270-8.

Dinnel DL, Hopkins J, Thompson T. The role of family environment variables in the development of failure-avoidant behaviors. [cited 2004]. Available from: URL; <http://www.myweb.wvu.edu.com>

Alexander Moreira; Francisco lotufoneto; Harold G. Koenig; A review; Sao Paulo; Jstore; 2006.

Harold G. Koenig; Aging and God; The Haworth press; New York; London; Norwood; 1994.

Robert Wuthnow; Kevin Christiano; John Kuzlowski; Religion and Bereavement:A conceptual framework; Journal for the scientific study of religion;1980;19, 804 – 224.

Lin YR, Shiah IS, Chang YC, Lai TJ, Wang KY, Chou KR. Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students' assertiveness, self-esteem, and interpersonal communication satisfaction. Nurse Educ Today 2004 Nov; 24(8): 656-6